

پیامدهای امنیتی - انتظامی اشغال نظامی شمال ایران در جنگ جهانی دوم

حبیب‌الله سیاری^۱، رضا جهان‌فر^۲، محسن رحمانی^۳، فهیمه کرمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

از صفحه ۱ تا ۲۶

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی

سال هفتم، شماره بیست‌وهفتم، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

از جمله مناطق اصلی درگیر جنگ جهانی دوم در ایران، استان‌های شمالی کشور بودند. در سال‌های اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، شهرها و روستاهای شمالی کشور از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم این اشغالگری مصون نبودند. نوع پیامدهای مورد نظر پژوهشگران در این پژوهش، پیامدهای امنیتی-انتظامی است. ظلم و ستم اشغالگران، ناتوانی و ناکارآمدی دستگاه‌های حکومتی جهت احقاق حق هم‌میهنان در برابر تعدی اشغالگران، از جمله مصائبی است که بر مردم شمال کشورمان وارد شد. این مقاله با روش تحقیق توصیفی و تاریخی و استفاده از اسناد و مدارک مربوطه و همچنین گفتگو با معمرین شمالی، در پی پاسخگویی به این سؤال است که پیامدهای امنیتی-انتظامی اشغال نظامی شمال ایران در جنگ جهانی دوم چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقض امنیت فرهنگی، آسیب به امنیت اقتصادی و گرانی، تورم، وقفه در صادرات دولتی از شمال کشور، توقف طرح‌های ویژه حکومتی، تضعیف نظارت و اعمال قوانین حاکمیتی، زورگیری و غارت اموال مردم، ناامنی در حوزه سلامت و شیوع بیماری، افزایش درگیری‌های ملکی، قانون‌شکنی آشکار اشغالگران، تخلیه موقت اماکن انتظامی و امنیتی شمال کشور، نارضایتی اجتماعی بر اثر بروز عوارض اشغال، مشکلات امنیتی ناشی از حضور آوارگان جنگی، افزایش فعالیت‌های جاسوسی و ستون پنجم از جمله پیامدهای امنیتی و انتظامی جنگ جهانی دوم در شهرهای شمال کشور بوده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ جهانی دوم، شمال ایران، شوروی، امنیتی، انتظامی.

مقدمه

جنگ‌ها دارای پیامدهای گوناگونی بر ساختار جامعه متحمل جنگ هستند. این پیامدها گریبان‌گیر کوچک‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده تا بزرگ‌ترین ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشند. از جمله این پیامدها، پیامدهای امنیتی و انتظامی به

^۱- دکترای علوم دفاعی و عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسئول. arta79@yahoo.com

^۳- دکترای مدیریت آموزشی

^۴- پژوهشگر و نویسنده

شمار می‌روند. با وجود این که اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۲۰، رویدادی مهم در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود، با این حال می‌توان گفت که بر تاریخ سیاسی- اجتماعی سال‌های جنگ جهانی دوم در ایران، سکوتی مرموز سایه افکنده است (الهی، ۱۳۶۹: ۵). بر همین اساس این مقاله نگاهی به پیامدهای امنیتی- انتظامی جنگ جهانی دوم در شمال ایران دارد. پرداختن به این مسئله به معنای پرداختن به بخشی کمتر گشوده شده از تاریخ این سرزمین است که به رغم پژوهش‌های انجام شده باید گفت که تاکنون در مورد آن پژوهش جامعی انجام نشده است. فقر و نابسامانی اجتماعی رو به افزایش دوران پس از جنگ جهانی دوم بخشی غیرقابل انکار از تاریخ این سرزمین است. در این مقاله روش تحقیق توصیفی و تاریخی و ابزار گردآوری اطلاعات، اسناد و مدارک و همچنین گفتگو با معمرین شمالی است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که پیامدهای امنیتی- انتظامی اشغال نظامی شمال ایران در جنگ جهانی دوم چه بوده است؟

در خصوص اهمیت و ضرورت تحقیق باید گفت که هویت هر اجتماعی از مردم، دارای اجزایی می‌باشد که بخش عمده‌ای از این هویت، مرتبط با تاریخ می‌باشد. تاریخ اجتماعی تکمیل کننده مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی است. از سوی دیگر در شرایط کنونی که کوتاهی و یا هر علت دیگر در نپرداختن به این موضوع باعث از بین رفتن یک تاریخ و رخدادهای اجتماعی می‌شود ضرورت این قضیه احساس می‌شود.

پیشینه پژوهش: در خصوص اشغال ایران در جنگ جهانی دوم مقالات و کتب مختلفی به رشته تحریر درآمده است؛ اما در مورد پیامدهای اشغال ایران به‌ویژه در شهرهای شمالی کشور، مقالات و کتب زیادی منتشر نشده است. در بررسی منابع مختلف در خصوص جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، اثر مکتوبی که به صورت تخصصی و اختصاصی به پیامدهای امنیتی و انتظامی جنگ جهانی دوم در شمال کشور پرداخته باشد، مشاهده نشده است؛ اما در مورد کلی جنگ جهانی دوم و ایران، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کتاب «دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۰-۱۳۱۹)» توسط رضا آذری شهرضایی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب بر اساس اسناد حاکمیتی به رشته

تحریر درآمده است. اسناد گردآمده در این مجموعه از سویی نشانگر تلاش متخصصان یهودی آلمانی، برای گریختن از آلمان هیتلری و پناه گرفتن در ایران است و از سویی دیگر بیانگر کوشش سیاستمدارانی مانند سید حسن تقی‌زاده، حسنعلی غفاری و فتح‌الله پاکروان، برای جذب این متخصصان به ایران است. در واقع بر اساس مطالب این کتاب همه آلمانی‌های موجود در ایران از جمله طرفداران هیتلر محسوب نمی‌شدند.

کتاب «اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم» توسط همایون الهی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب، ترجمه رساله دکتری همایون الهی از زبان آلمانی در دانشگاه هانوفر است. روش تحقیق رساله فوق، کیفی بود و از اسناد مرتبط با جنگ جهانی دوم به ویژه اسناد موجود در کشور آلمان بهره گرفته شده است. در این کتاب به عوامل حمله متفقین به ایران اشاره شده است. کتاب «ستون پنجم؛ گوشه‌ای از فعالیت‌های عوامل آلمان بر اساس اسناد محرمانه بریتانیا (ایران ۱۳۲۰-۱۳۲۴)» نوشته کاوه بیات است. این کتاب درباره بخشی از فعالیت‌های عوامل آلمان نازی در ایران در سال‌های جنگ دوم جهانی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴، بر اساس اسناد محرمانه دولت بریتانیا تألیف شده است. این اسناد و مدارک توسط کاوه بیات ترجمه گردید. با گذشت چند دهه هنوز هم حضور و فعالیت عوامل و هواداران ایرانی آلمان در ایام جنگ دوم جهانی - نیروی موسوم به «ستون پنجم» - یکی از موضوعات مبهم تاریخ معاصر ایران است. کتاب «ارتش در گذر تاریخ (تاریخچه، انقلاب، دفاع مقدس)» نوشته گروه مؤلفین دافوس آجا که بر اساس اسناد و مدارک موجود در نیروهای مسلح و همچنین مصاحبه با پیشکسوتان ارتش به رشته تحریر درآمده است. بخشی از آن به وقایع جنگ جهانی دوم در ایران پرداخته است و برخی از مطالب آن برای اولین بار منتشر شده است. مجموعه کتاب‌های «اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم» که توسط مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری تدوین شده است. این مجموعه کتب با استفاده از اسناد ادارات و وزارتخانه‌های مختلف ایران در بازه زمانی سال‌های اشغال ایران توسط متفقین به رشته تحریر درآمده است.

مهم‌ترین نوآوری مقاله پیش روی با مطالب کتب منتشر شده، نگاه دقیق‌تر به حوادث و رخداد‌های جنگ جهانی دوم در شهرهای شمالی کشور و در نظر قرار دادن پیامدهای امنیتی و انتظامی اشغال شهرهای شمالی کشور محسوب می‌شود.

۱. آثار اجتماعی حضور اشغالگران شوروی در شهرهای شمال کشور

معمولاً شروع هر جنگی که دارای وسعت جغرافیایی باشد، منجر به اختلال در نظام اجتماعی کشور درگیر در جنگ می‌شود و فعالیت‌های مردم تحت تأثیر شرایط جنگی قرار می‌گیرد (شایان‌مهر، ۱۳۹۱: ۱۰۰). آثار اجتماعی حضور اشغالگران به ویژه ارتش شوروی در شمال ایران به آثار اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. آثار اجتماعی مستقیم همچون مهاجرت، تغییر میزان سرمایه اجتماعی، تغییر سبک زندگی، بروز آسیب‌های اجتماعی و... در نظر است. آثار اجتماعی غیرمستقیم اشغال شمال ایران را می‌توان به آثار اجتماعی منتج از آثار اقتصادی اشغال، تأثیرات اجتماعی ناشی از مسائل فرهنگی جنگ، تأثیرات اجتماعی ناشی از مسائل فن‌آوری و صنعتی جنگ، تأثیرات اجتماعی ناشی از مسائل بهداشتی و نظام سلامت، تأثیرات اجتماعی ناشی از مسائل زیست محیطی جنگ و غیره را می‌توان در نظر گرفت. به عنوان مثال قطع درختان رامسر برای استفاده توسط ارتش شوروی یک مسئله زیست محیطی است که دارای تبعات اجتماعی است و از منظر امنیت زیست محیطی حائز اهمیت است. به همین ترتیب تورم و گرانی یک اثر اقتصادی ناشی از حضور اشغالگران است که دارای تبعات اجتماعی-اقتصادی است (رحیمیان، ۱۳۹۱، فایل صوتی). البته باید در نظر داشت که شکست امنیت فرهنگی و ترویج برخی از لغات بیگانه نیز از تبعات حضور اشغالگران در شمال کشور است (خاتمی، ۱۳۹۲: ۱۷).

تبعات نامناسب اشغال فقط محدود به شمال ایران نبود. حضور اشغالگران در تمام نقاط کشور دارای پیامدهای نامناسب اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، بهداشتی و غیره بود. ناآشنایی و عدم تطبیق روس‌ها با فرهنگ مردم ایران نیز مشکل‌ساز بود. به عنوان مثال در سال اول اشغال خراسان، هم‌زمان با ایام محرم مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی «طفلان حضرت مسلم ابن عقیل» در یکی از محلات مشهد برپا شده بود. وقتی که بازیگر نقش «خولی» خنجر کشید تا سر از طفلان مسلم جدا کند، نظامیان شوروی به تصور جدی بودن ماجرا، اقدام به تیراندازی به سمت تعزیه‌خوانان می‌کنند و منجر به وحشت مردم و برهم خوردن مراسم می‌شوند. وضعیت آموزش هم تحت تأثیر اشغال دچار افت شد. مدارس به دلیل نبود بودجه به مدت شش ماه تعطیل شد. تمرینات نظامی شوروی‌ها

باعث وحشت و نگرانی مردم بود. این تمرینات - با توپ و خمپاره و...- منجر به آسیب زنان باردار و وحشت مردم به‌ویژه کودکان شده بود. از گرانی و کمبود و حتی قحطی وسایل مختلف مورد نیاز مردم تا گسترش هرج و مرج و ناامنی در زمان اشغال خراسان توسط روس‌ها مشاهده شد (رامین نژاد، ۱۳۹۰: ۳۴۰ - ۳۴۲).

۲. افزایش فعالیت حزب توده در شمال کشور؛ فعالیت‌های جاسوسی و ستون

پنجم در ایران

جابه‌جایی قدرت، تضعیف سازمان‌های نظامی و امنیتی ایران و حضور نیروهای بیگانه منجر به گسترش نفوذ سازمان‌های جاسوسی در ایران شد. از مدت‌ها قبل تعدادی از ایرانیان تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی کمونیستی و فاشیستی قرار گرفته بودند و به هواخواهی و یا عضویت در گروه‌های سیاسی تابع کشورهای بیگانه پرداختند. سران این گروه‌های سیاسی با حداقل یکی از کشورهای طرف جنگ در ارتباط بودند و در برنامه‌های خود تأمین منافع آن کشورها را دنبال می‌کردند. جمع‌آوری اطلاعات و حتی میزبانی از مأمورین مخفی کشورهای دیگر توسط این گروه‌ها انجام می‌شد. مردم عامی نیز بدون اینکه در جریان اصل مآقع باشند، طرفداری یکی از گروه‌ها را انجام می‌دادند و حتی به بحث و جدل باهم مشغول می‌شدند (سجادی، ۱۳۹۲، فایل صوتی).

در این میان تشکیل و فعالیت حزب توده را می‌توان مصیبتی در تاریخ سیاسی ایران دانست. این حزب از همان آغاز کار به صورت تشکیلاتی و منظم‌تر از سایر احزاب شروع به کار کرد. حزب توده توجه خود را از همان ابتدا به کانون‌های پرجمعیتی همچون کارخانجات، مدارس، کشاورزان، کارمندان دولت و دیگر اقشار اجتماعی معطوف کرد (علامه، ۱۳۷۷: ۲۳۶). در شمال کشور نیز فعالیت تبلیغی حزب توده در بین کشاورزان و کارگران کارخانجات و غیره افزایش یافت. این حزب برای گسترش نفوذ خود به نفع بیگانگان، جنایات مختلفی را به ثمر رساند. مجموعه‌ای از قتل‌ها، خرابکاری‌ها و جاسوسی به نفع شوروی سابق در کارنامه این حزب وجود دارد. در واقع یکی از خیانت‌های حزب توده به کشور، جمع‌آوری اطلاعات و در واقع جاسوسی به نفع شوروی بود. سفارت شوروی در ایران دومین سفارت بزرگ شوروی در یک کشور خارجی - پس از سفارت شوروی در آمریکا - محسوب می‌شد. ضمن اینکه در مشهد و تبریز و اصفهان و رشت هم کنسولگری‌های این کشور فعالیت داشتند. حزب توده یکی از ده‌ها منبع

اطلاعاتی شوروی سابق در ایران محسوب می‌شد (گروه نویسندگان، ۱۳۶۲: ۱۴۲ تا ۱۵۳). از جمله مهم‌ترین مناطق فعالیت حزب توده، شمال ایران و در میان کارگران و کشاورزان شمالی بود. به صراحت می‌توان حزب توده را یکی از شوم‌ترین و ناپاک‌ترین احزاب و گروه‌های سیاسی نقش‌آفرین در ایران معاصر دانست.

۳. تخلیه موقت اماکن انتظامی و امنیتی شمال کشور

در روز شنبه هشتم شهریور ۱۳۲۰، هواپیماهای شوروی سربازخانه ساری را بمباران و گلوله‌باران کردند و خبر رسید که پادگان شروع به تخلیه سربازان کرده است. سرهنگ باقر سمیعی رئیس شهربانی مازندران، ساختمان شهربانی را تخلیه کرده و به طرف تهران حرکت کرد و شهربانی‌گران نیز از پیش تخلیه شده بوده است. شهربانی ساری صبح همان روز تخلیه و زندانیان را به شاهی (قائم‌شهر کنونی) انتقال داده و از آن جا در یک اتوبوس به تهران فرستادند (معتضد، ۱۳۸۵: ۵۴۶). طبق اطلاع تا روز دهم شهریور، یازده کشتی (ناو) حامل نیرو و مهمات در بندر نوشهر پهلو گرفته و نیروهای پیاده شده به طرف شهسوار (تنکابن) و رشت و همچنین به طرف چالوس و آمل حرکت کرده‌اند. نیروهای شوروی در سراسر مناطق شمالی کشور شهرهای بندر پهلوی (انزلی)، رشت، لاهیجان، لنگرود، رودسر، رامسر، شهسوار، نوشهر، چالوس، آمل، بابلسر، بابل، شاهی، ساری، بهشهر، بندرگز، بندر شاه (ترکمن)، گرگان و گنبدکاووس را در تصرف گرفتند (معتضد، ۱۳۸۵: ۵۴۷).

در پایان شهریور اندک‌اندک فراریان به خانه‌های خود بازگشتند و گیلان به طور کلی در اختیار روس‌ها قرار گرفت. در سال‌های جنگ، هجوم گرسنگان و بیماران به شهرها بیشتر شد. مرگ‌ومیر انسان‌های فقیر و آواره در حاشیه بقاع مقدسه لاهیجان، آستانه و رشت بیشتر به چشم می‌خورد. در گوشه و کنار شهرها نمایش فیلم‌های مختلف توسط روس‌ها انجام می‌گرفت. بسیاری از خانه‌های بزرگ و تأسیسات اداری و کارگری حتی کتابخانه ملی شهر رشت برای سکونت سربازان در اختیار ارتش شوروی بود. چند بار هواپیماها نیز به مناسبتی اعلامیه‌هایی را بر فراز شهرها پخش می‌کردند و مردم را در جریان وقایع گذشته و سیاست‌های اعمال شده توسط قوای بیگانه در ایران قرار می‌دادند و این وضع تا پایان جنگ ادامه داشت (بی‌نا، ۱۳۹۲، سایت اینترنتی فرارو). سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ عده زیادی از مردم در اثر فقر مردند و همه‌روزه در خیابان‌های

شهرها عده‌ای از بیماری جان می‌دادند. تا پایان جنگ این وضع در ایران ادامه داشت (شاهدی، بی‌تا، سایت اینترنتی موسسه مطالعات تاریخ معاصر).

قحطی، ناامنی و ازهم‌گسیختگی امور، همه جا را فرا گرفته بود. در این زمان شمال کشور کاملاً در اختیار نیروهای روسی بود و سربازان شوروی شهرها را تحت کنترل داشتند. در فلکه ۱۷ شهریور (فعلی) شهر آمل یک عوارضی بنام «نواقلی» را سربازان شوروی در اختیار داشتند و رفت‌وآمد را تحت نظر داشتند. اگر کسی از شمال می‌خواست به مرکز برود باید گذرنامه می‌گرفت. چه اینکه اگر کسی از مرکز می‌خواست به شمال بیاید باید گذرنامه می‌گرفت و شمال را کاملاً از مرکز جدا کردند و مناطق شمالی را از کشور ایران جدا ساخته و به شکل دو کشور مجزا درآورده بودند (سایت اینترنتی: <http://pahlaviha.com/show.php?page=21&id=1579>).

نظیر این مسئله در سایر نقاط کشور نیز وجود داشت. در آذربایجان تا زمانی که نیروهای شوروی حضور داشتند، گاهی حضور و تردد مسئولین و حتی فرماندهان ارشد نظامی کشور منوط به اجازه پایین‌ترین رده‌های سربازی شوروی در منطقه بود. هرج‌ومرج نیز بر اثر حضور بیگانگان در شهرها و سایر مناطق کشور هویدا شد. غائله سید جعفر پیشه‌وری که در آذربایجان جولان می‌داد، نمونه‌ای از هرج‌ومرج سیاسی در کشور بود (درخشانی، ۱۳۸۵: ۲۷). روس‌ها در نقاط مختلفی از شمال کشور دارای پایگاه‌های کوچک و بزرگ بودند. از جمله پایگاهی نیز در شیلات چپرسر شهسوار (خزرکنار تنکابن) داشتند. این پایگاه نقش بنه^۱ نظامی را برای روس‌ها داشت. تعدادی از نظامیان مرد و زن روس در آن حضور داشتند (علی سعیدی، ۱۳۹۱، فایل صوتی).

در همه شهرهایی که نیروهای مهاجم متفقین حضور داشتند، ناامنی نیز برای مردم وجود داشت. اولین پیامد اشغال کشور را می‌توان ناامنی در کشور تلقی کرد. یکی از دلایل عمده شیوع ناامنی، جانپان و دزدان رها شده از زندان‌ها و سلاح‌های که به دست یاغیان افتاد می‌باشد. این سلاح‌ها متعلق به نظامیانی بود که پس از متواری شدن در کوه و دشت و بیابان آن را رها می‌کردند. کمبود سوخت را از جمله دیگر پیامدهای اشغال به شمار می‌رود. «با بسته شدن ایستگاه‌های پمپ‌بنزین در شهرهای ایران که

۱- بنه (train/unit train) شامل آن تعداد از کارکنان، تجهیزات و خودروهایی که برای پشتیبانی لجستیکی یک یکان مورد نیاز است، می‌باشد (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

تمام پمپ‌ها به شرکت نفت انگلیس و ایران تعلق داشت و قطع ارسال نفت کوره به کارخانه‌ها و نفت سیاه به حمام‌ها و دکان‌های نانوايي و همچنین نفت سفید برای مصارف منازل، کمبود سوخت در تهران به طور ملموسی دیده شد و ... شرکت نفت که از شرکت‌های تابع دولت انگلیس بود، ارسال فرآورده‌های بنزین و نفت را در سراسر کشور متوقف ساخت...» (معتضد، ۱۳۸۵: ۵۵۲ - ۵۵۷).

پس از شکل‌گیری مجدد ادارات انتظامی داخل کشور نظیر شهربانی، ژاندارمری، کلانتری‌ها و ادارات امنیتی در تهران و شهرستان‌ها، ادارات یاد شده علاوه بر انجام وظایف محوله انتظامی و اجرایی ناچار بودند در موارد متعدد درخواست‌ها و حتی دستورات مسئولان قوای اشغالگر را اجرا کنند. عبور و مرور سربازان متفقین با مشکلات زیادی برای امنیت و آسایش عمومی انجام می‌شد. نظامیان متفقین اغلب به ایداء و آزار بانوان و دوشیزگان و حتی تجاوز به آنها، مشروب‌خواری، چاقوکشی، سرقت، ورود ناگهانی به منازل، سوار شدن به علف به درشکه و اتومبیل‌های شخصی، دزدی، اخذ پول، ساعت و اشیاء نفیس از رهگذران، اعمال خشونت بر علیه مردم، قتل‌عام مردم، سرقت اشیاء نفیس و عتیقه و... پرداختند (معتضد، ۱۳۸۵: ۶۱۰ - ۶۱۵). معمرین رامسر از ورود بدون اجازه سربازان روس به خانه‌های مردم رامسر و غارت اموال مردم سخن می‌گویند. در رامسر کشته شدن دو نفر از اعضای خانواده محمدی به دست سربازان روس هنوز در خاطر معمرین مانده است (سجادی، ۱۳۹۲، فایل صوتی). تجاوز به نوامیس مردم از سوی بیگانگان از دیگر موارد ثبت شده در تاریخ پر رنج این سرزمین چند هزار زخم‌خورده هزاران ساله است. به عنوان مثال در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ استاندار استان دوم (استان مازندران) طی نامه‌ای به وزیر کشور گزارش تجاوز سرباز شوروی به دختر هشت‌ساله ساروی و قتل دختر بی‌گناه را ارائه کرده است (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۱۲۸). وحشت از بیگانگان و احساس ناامنی در عموم ساکنان شهرهای شمال وجود داشت (فتوکیان، ۱۳۹۲، فایل صوتی). البته تعدادی از معمرین در مصاحبه‌های خود از علاقه مردم شمال کشور به آلمان‌ها به دلیل فعالیت‌های عمرانی و سیاسی آنها سخن گفته‌اند^۱.

۱- نظیر آقای حسن رحیمیان از مدرسین دانشگاه پیام نور رامسر

پادگان‌هایی که باید در اختیار تأمین امنیت مردم ایران باشد به جولانگاه بیگانگان مبدل شد. از جمله این پادگان‌ها، پادگان قلعه مرغی بود. سپهبد خلبان شاپور آذربرزین در این خصوص گفته است: «جنگ بین‌الملل دوم که شروع شد، مقدار زیادی از آنچه ساخته شده بود از بین رفت. قلعه مرغی که محل استقرار نیروی هوایی بود را شوروی‌ها گرفتند و بعد هم نیروی هوایی به ناچار، تعدادی از هواپیماهای باقیمانده‌ای که داشت به اصفهان برد و چند تا را هم فرستادند به تبریز...» (آذربرزین، ۱۳۹۳: ۸۶).

۳. قانون شکنی آشکار اشغالگران

یکی از ویژگی‌های متفقین در ایران، عدم پایبندی آنها به قوانین داخلی ایران و یاغی‌گری آن‌ها در برابر مأمورین اعمال مقررات بود. به‌عنوان مثال به استناد مکاتبات وزارت کشور، نخست‌وزیری، وزارت خارجه و سفارت انگلیس در تهران، در خصوص عدم رعایت مقررات از سوی رانندگان حامل چوب برای متفقین (به انضمام گزارش‌های واصله در این زمینه)، قاچاق چوب، خواربار و غیره از سوی آن‌ها متصور شده است (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۲۰۹). همچنین «طبق گزارش مأمور وابسته [به اداره کشاورزی شهرستان شهسوار]، در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۲۱ ساعت ۴/۳۰ بعدازظهر راننده کامیون یو. کی. سی. سی. شماره ۱۴۹۸/ط که حامل چوب بوده و از رامسر عبور می‌نموده، موقعی که مأمور بازرسی پروانه در رامسر ارائه پروانه حمل چوب را درخواست نموده، راننده به اتفاق شاگرد خود و نماینده ماشین مأمور من را فحاشی و کتک‌کاری نموده و فرار کرده‌اند...» (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۲۱۱). این گزارش از سوی رئیس اداره کشاورزی شهرستان شهسوار خطاب به اداره فرمانداری شهرستان شهسوار نوشته شده و پس از آن «مفتاح» فرماندار وقت شهسوار طی گزارشی از «نادر آراسته» استاندار وقت استان اول [مازندران] می‌خواهد که قضیه را بررسی کند. این گزارش‌ها در نهایت به وزیر وقت کشور (علی نصر)، نخست‌وزیر، سفارت انگلیس و... می‌رسد که نتیجه‌ای عاید نشد.

وضعیت عباس‌آباد پس از شهریور ۱۳۲۰ به گونه‌ای شد که «سالدات‌های روسی (سربازان روسی) در ایام فراغت در این نقطه اغلب به شکار خوک و گشت‌وگذار در

روستاها می‌پرداختند. در این وقت گذارانی‌ها با اطلاعاتی که از منابع محلی خودشیفته به دست می‌آوردند، خانواده‌های مرفه‌الحال روستایی را به پرداخت وجوه مالی و آذوقه از قبیل گاو و برنج مجبور می‌ساختند. یوسفی‌نیا به عنوان یکی از پژوهشگران بومی شمال کشور در کتابش نوشته است: «در عباس‌آباد خانواده‌ای از ترکان مهاجر قفقاز زندگی می‌کرد که چندین دهه از سکونت آن‌ها در این نقطه می‌گذشت. گویا از جمله آوارگان انقلاب کمونیستی روسیه بودند. این خانواده که به دارا بودن عنوان سیادت نیز مفتخر بود! در نقش ستون پنجم، روس‌ها را در اخاذی و زورگیری‌های جنسی و نقدی از مال‌داران و مرفهین لنگایی مساعدت می‌کرد. از همین کانال خبری بود که سربازان روس آگاه شدند که در اشغال قبلی این نقاط وسیله‌ی حکومت تزاری، نیروی چریک ضد روس به مرکزیت کلارآباد تشکیل گردید و چندین قزاق هم‌وطن آن‌ها وسیله این گروه وطن‌پرست جانشان را به اتهام غارت و تجاوز به ناموس مردم از دست دادند. فرد شاخص این گروه در عباس‌آباد (لنگای سابق) کشاورزی به نام حاج حیدر گل‌کوهی بود که از فعالان این دسته‌ی چریکی به شمار می‌رفت و اخبار چندین قتل قزاق روسی وسیله وی در لنگای اواخر قرن سیزدهم شمسی شهرتی عمومی داشت. از این رو سالدات‌های روسی برای انتقام از این مرد، منتظر فرصت برای انتقام ماندند. یک بار در غیاب ساکنان خانه، اثاثیه‌ی گران‌قیمت خانه‌اش را از فرش، زیورآلات و نقدینه حاصل از فروش چای خشک، به سرقت بردند. در فرصتی دیگر قتل سرباز روسی را که در عباس‌آباد اتفاق افتاده بود، بهانه قرار دادند و در همان شب اتفاق قتل با یک دسته از سالدات‌های کماندانی عباس‌آباد به خانه‌اش وارد شدند و پس از درگیری شدید داخل خانه، وی را در حین فرار به جنگل مورد اصابت گلوله قرار دادند. بدن زخمی او را که هنوز نیمه‌جان داشت با برادرش صفدر گل‌کوهی به رشت بردند. پس از درمان زخم گلوله توأم با بازجویی‌های شبانه‌روزی و محرومیت شدید از غذا که گاه به چند شبانه‌روز بالغ می‌گشت، شرایط سختی را بر آن‌ها برای اقرار به قتل تحمیل کردند. هدف اصلی گرفتن اعتراف از حاج حیدر به شرکت در نیروی چریک ضد روس خاصه قتل سرباز اخیر بود؛ اما بازجویی‌های مکرر توأم با شکنجه، نتیجه را عاید آنان نکرد و متهم با انکار اتهامات گذشته و حال همچنان در زندان ماند.

دستگیری توأم با تیراندازی و ضرب و جرح حاج حیدر و برادرش و بردن او و برادرش به مکانی مجهول، فضائی فرماندار وقت شهسوار که شخصیتی قوی و ایران‌پرستی دوآتشه بود، زیر فشار شدید و حتی تهدید به قتل وسیله‌ی روس‌ها، قاضی دادسرای شهسوار را به گل کوه (محل حادثه) آورد و با ثبت آثار تجاوز به حریم خانه و تیراندازی، همسران دو برادر را تشویق به شکایت تلگرافی به نخست‌وزیر، مجلس شورای ملی و وزارت کشور کرد. این تلگرافات هم‌زمان با پرونده ماجرا از مجرای فرمانداری به وزارت کشور رسید. مجلس شورای ملی نیز به دستور مؤکد نخست‌وزیر را با تصمیمات متخذه در کمیسیون عرایض به وزارت خارجه ابلاغ کرد. نامه‌ی محرمانه وزیر امور خارجه به ریاست مجلس به تاریخ بیستم بهمن‌ماه ۱۳۲۴ حاکی از اقدام این وزارت خانه در مورد دو تبعه ایرانی در زندان به سفارت کبرای شوروی در ایران است که تحویل زندانیان را به شهربانی رشت اعلام می‌دارد. آخرین سند از پیگیری این ماجرا تلگرافی است که از مجلس شورای ملی به همسر گرفتاران، خانم‌ها حدیقه پلنگ و فضا درویشی دایر بر رهایی شوهران آنان از چنگ روس‌ها و تحویل به زندان رشت شده است. روز رهایی حاج حیدر و برادرش از زندان شهربانی شهسوار و ورود آن‌ها به عباس‌آباد، یکی از روزهای به یاد ماندنی تاریخ این خطه است. مردم عباس‌آباد و روستاهای دور این نقطه طی استقبالی فراموش‌نشده و اظهار احساساتی به شدت میهنی، فردی را که دفاع از نوامیس و حیثیات مردم این نقطه را باغیرت ایران‌دوستی خود پاس داشته بود، با احترام به خانه‌اش بردند و سپس بر سر سفره سور همگانی خانواده‌اش نشستند» (یوسفی نیا، ۱۳۹۶: ۱۰۷ - ۱۱۱).

۴. افزایش درگیری‌های ملکی

پس از ورود اشغالگران به ایران و خروج رضاخان از کشور، نبود قدرت مستبد حاکم منجر به تغییراتی در وضعیت مالکین و خوانین شد. برخی از خوانین تبعید شده به دیار خود بازگشتند. البته این بار حشمت و جاه گذشته را نداشتند. کسانی که زمین‌هایشان توسط عوامل رضاخان به بهانه‌های گوناگون غصب شده بود تا حدودی موفق به تجدید مالکیت شدند. عیسی‌پور از پژوهشگران شمال کشور در این خصوص نوشته است: «تصاحب املاک به نام خالصه و عناوین دیگر، از طرف وزارت دارایی وقت که برای شخص رضاخان، به اشکال گوناگون (به ظاهر خریداری و در باطن با ارباب و جبر) تملک می‌شد. در اثر همین طمع سیری‌ناپذیر پهلوی اول و دیگر مالکان زورمدار منطقه، در تصاحب املاک بخصوص در مازندران از جمله تنکابن، مظالم بسیاری را فراهم نمود. بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و خروج رضاشاه از ایران، هجوم مال‌باختگان و اقامه درخواست املاک در دادگاه‌ها، مجلس را به تنگنا کشاند. در اثر فشار مالکان مال‌باخته در سال ۱۳۲۱ در مجلس شورای ملی قانونی به تصویب رسید مبنی بر استرداد املاک متصرفی، مال‌باختگان می‌توانستند در این محاکم قضایی و از این قانون، استرداد اموال خویش را مطالبه نمایند. اجرای این قانون تا زمان پیاده شدن اصلاحات عرضی سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ ادامه داشت که در این سال‌ها بسیاری از املاک مالکین، اعم از خرد و کلان، شامل سه مرحله اول تا سوم اصلاحات ارضی شد.

وقتی در سال ۱۳۴۳ دامداران و صاحبان مراتع از حق ممیزی و شاخ شماری دام‌ها برخوردار شدند و حق تعلیف دریافت کردند این روند تا سال ۱۳۴۸ ادامه داشت و ساکنان دامدار مناطق مسکونی و چرای دام‌ها را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می‌کرد. بروز اختلاف و جنگ‌های طایفه‌ای و خانوادگی در قتل نفس و غارت اموال، به آتش زدن خانه‌های بین مالکین قبلی و متصرفین ممیزی منجر می‌شد...» (عیسی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۹۸ و ۱۹۹).

۵. گرانی و تورم

حضور سربازان اشغالگر مشکلات انتظامی و امنیتی فراوانی را برای مردم ایران ایجاد کرد. برخی از این مشکلات را به اختصار می‌توان این گونه برشمرد: «رکود اقتصادی، قحطی، مشکلات اجتماعی، ناامنی در شهرها، بالا رفتن قیمت‌ها و از همه بدتر اعلان خودمختاری در هر گوشه‌ای از کشور، هرج و مرج و نبودن یک قدرت مرکزی جهت سامان بخشیدن به این نابسامانی‌ها استقلال و تمامیت ارضی کشور را به خطر انداخته بود» (جلالی، ۱۳۸۹: ۲۳۳). پس از اشغال ایران، بسیاری از طرح‌های عمرانی و سازندگی کشور پس از وقوع جنگ جهانی دوم، ناتمام و یا بدون آغاز به ساخت، رها شد. از جمله این طرح‌ها می‌توان به طرح احداث کارخانه ذوب‌آهن کرج اشاره کرد. رضاشاه قراردادی با شرکت دماغ کروپ آلمان برای احداث این کارخانه امضاء کرده بود (شیرین‌کام، فرجام نیا، ۱۳۹۳: ۱۳۲). به روایتی اکثریت ۱۵ میلیون جمعیت کشور در جنگ جهانی دوم با مشکلاتی روبه‌رو شدند. ایران به صحنه دخالت نیروهای متفقین و خط تدارکاتی آذوقه و مهمات به شوروی مبدل شد. اگرچه متفقین قول داده بودند، برای مردم ایران تا حد امکان مشکلی به وجود نیآورند؛ اما بخش‌های کلیدی اقتصادی، کشاورزی، صنعت و خدمات بازرگانی خارجی، بودجه دولت و سطح زندگی، بر اثر اشغال شدیداً آسیب دید (سلطانی مقدم، ۱۳۹۱).

در سال‌های جنگ جهانی دوم کشور از جهت واردات و ارز، دچار محدودیت شده بود. به همین دلیل صناعی در ایران فرصت ادامه مسیر داشتند که مواد اولیه آن در داخل کشور موجود بود و کمتر به خارج وابستگی داشتند. کمبود قطعات یدکی تجهیزات از دیگر مسائلی بود که مردم را با مشکلاتی مواجه کرد. (شیرین‌کام، فرجام نیا، ۱۳۹۳: ۲۹۴ - ۲۹۶) قیمت‌ها طی چهار سال و نیم حدود ۴۵۰ درصد افزایش یافت. (روبین، ۱۳۶۳: ۲۴) بیکاری ناشی از تعطیلی واحدهای تولیدی و همچنین افزایش قیمت‌ها منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی و ناامنی نظیر افزایش سرقت شده بود. خدمات‌رسانی به مردم از سوی حاکمیت نیز در سال‌های اشغال ایران با مشکل مواجه شد. از ۱۶ اسفند ۱۳۱۵ پست هوایی ایران فعالیت خود را آغاز کرده بود. سرویس پست هوایی هفته‌ای یک‌بار با پرواز بین تهران و بغداد انجام می‌شد. در سال ۱۳۲۰ این پرواز به مدت یک سال متوقف شد (بی‌نا، ۱۳۷۷: ۱۹۸).

در واقع یکی از آثار اجتماعی غیرمستقیم حضور روس‌ها در شهرهای شمال کشور، گرانی و تورم و گاه کمبود آذوقه بود. برابر اعلامیه شماره یک ستاد جنگ ارتش در خصوص بمباران شهرهای مختلف ایران، تلفات وارده بر مردم غیرنظامی زیاد و نسبت به نظامیان نسبتاً کم است (عاقلی، ۱۳۸۷: ۳۲۸). در این اعلامیه به بمباران هوایی شهر رشت نیز اشاره شده بود (پژمان، ۱۳۸۷: ۱۴۳). در چهارم شهریور مردم تهران و بیشتر شهرهایی که مورد حمله هوایی قرار گرفتند، شهر را تخلیه کردند و به اطراف پناه بردند. غالب مغازه‌ها در تهران تعطیل شدند و مردم از لحاظ خواروبار دچار مضیقه شدند (عاقلی، ۱۳۸۷: ۳۲۹). قیمت اقلام خوراکی در شمال کشور به طور ناگهانی افزایش یافت. در تنکابن قیمت هر خروار برنج از پنج یا شش تومان به بیست تومان افزایش یافت. در عرض حدود سه سال بعد و در ایام اشغال شمال ایران، هم قیمت برنج با شیئی تند افزایش یافت و به خرواری پنجاه تومان رسید (دانای علمی، ۱۳۸۹: ۶۷). معمرین شمالی به یاد دارند که «در این شش سال حضور آنها گرانی زیاد به بار آورد. حتی برنج که محصول منطقه بود به صورت جیره‌بندی در اختیار مردم قرار می‌گرفت و وضع و حال عادی نداشت و مردم از این کمبودها گله‌مند بودند...» (رحیمیان، ۱۳۹۱، فایل صوتی).

مه‌دیقلی هدایت مخبرالسلطنه در خاطرات خود مطالبی از آن روزها و حوادث پس از اشغال ایران و استعفای رضاشاه بیان کرد که: «جماعتی از محبوسین سیاسی آزاد شدند، بعضی مأمورین نظمیه مورد تعقیب، تعلیمات نظامی از برنامه متوسطه و پیش‌آهنگی از برنامه دبستان‌ها حذف شد. ماده‌واحد ۲۵ دلو ۱۴۰۳ راجع به ریاست کل قوا لغو و ژاندارمری از نظام مجزا... دولت و مجلس سر به گریبان ناظر پیش آمدند و منتظر فرمان. ملت گرفتار تنگی و گرانی نرخ‌ها. در غلاً^۱ گندم شد خرواری چهارصد الی ششصد تومان. پول روزبه‌روز تنزل می‌کند. در جنگ پیش اگر ضرر داشتیم مبالغ گزاف طلا از روسیه و انگلیس و ترکیه به ایران آمد. این نوبت نرخ به لیره از قرار سیزده تومان بستند. دولت را مجبور به چاپ کاغذ کردند و خریدهای خودشان را به پول مملکت برگزار کردند^۲ و گفتند در مقابل طلا ذخیره کرده آخر سر قرض خودمان را می‌پردازیم. مقداری هم طلا به بانک رساندند. مبالغ گزاف طلبکار ماندیم که روسیه در مقابل تا

۱- غلا: گران شدن نرخ؛ گرانی نرخ، گران شدن نرخ؛ گرانی نرخ

۲- برگزار کردن: انجام دادند

امروز که دهم فرودین ۱۳۲۷ است کراوغلی می‌خواند و آمریکا جنس می‌پردازد غالب بی‌مصرف. هنوز نرخ‌ها بالا است. مردم در زحمت و نگرانی در پیش‌بینی در هر غوغا و جنگی جماعتی به نوا می‌رسند (تازه به دوران رسیده) و چندین برابر از اهالی بینوا می‌شوند و مستعد بلوا» (هدایت، ۱۳۸۹: ۴۲۵ - ۴۲۶).

یکی از پژوهشگران تاریخ اجتماعی^۱، پیامدهای جنگ جهانی دوم و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ را این چنین توصیف کرده است: «پیامد مستقیم اشغال ایران و فروپاشی نظم پیشین، تورم فزاینده اقتصادی بود که نصیب ایران شد. تورمی ۱۰ برابر پیش از جنگ. تورم بالا همراه با قحطی گسترده و افزایش شاخص هزینه زندگی، بودوباش اقشار تهیدست کشور را به شدت تهدید می‌کرد. سهم بالایی از مواد غذایی نصیب سربازان بیگانه‌ای می‌شد که شمال و جنوب کشور را در اشغال داشتند. نمونه‌ای به دست دهم: بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ عرضه فراورده‌های دامی برای مصرف داخلی به شدت کاهش یافت. تنها از اهواز روزانه ۱۰۰۰ رأس گوسفند برای تأمین خوراک سربازان بریتانیا روانه سلاخ‌خانه می‌شد. در شمال کشور که زیر اشغال سربازان شوروی بود، مصادره برنج برای تأمین خوراک سربازان ارتش سرخ و نیز صادرات آن به شوروی، زندگی را برای مردم گیلان و مازندران توان‌فرسا کرده بود. در نتیجه شهرهای بزرگ کشور هر روزه شاهد اعتراضات گسترده مردمی برای تأمین مواد ابتدایی خوراکی شدند. گاه این اعتراضات به خشونت هم می‌کشید که در یک نمونه آن، تهران سال ۱۳۲۱ است که به بلوای نان شهره شد و به مرگ ۲۰ تن و زخمی شدن ۷۰۰ تن انجامید (اتابکی، ۱۳۹۴). کاهش تولید محصولات غذایی از یک‌سو و تقاضای نیروهای نظامی اشغالگر خارجی از سوی دیگر برای مواد غذایی، منجر به قحطی شدیدی در اکثر مناطق ایران خاصه آذربایجان و سواحل دریای خزر شد (سلطانی مقدم، ۱۳۹۱).

۶. ناامنی در حوزه سلامت؛ شیوع بیماری

در خصوص شیوع برخی بیماری‌ها پس از اشغال در ایران پیش از این مطالبی ذکر شد. در شمال کشور نیز این بیماری‌ها افزایش یافت. از جمله این که در ساری، چالوس و چند شهر شمال کشور بیماری‌های مربوط به مهاجرین مشاهده شد. از جمله اینکه در

۱- تورج اتابکی؛ پژوهشگر ارشد پژوهشکده بین‌المللی تاریخ اجتماعی در آمستردام

رودسر مردم گرفتار مالاریا بودند در تلگرافی که در فروردین ۱۳۲۴ توسط گروهی از مردم بابلسر به وزارت بهداشتی ارسال شد، ذکر شد که: «... وضع بهداشت این شهر به کلی خراب است، به طوری که همین دیروز در یک خانوار، سه نفر به مرض تیفوئید در گذشته و این مرض در این شهر و اطرافش شایع و مردم این سرزمین را بی‌رحمانه درو می‌کند...» (طیرانی، ۱۳۷۸: ۹۳ الی ۹۶).

۷. وقفه در صادرات دولتی از شمال کشور

اگر چه برخی از جنگ‌ها با انگیزه اقتصادی آغاز شده است، ولی اصل مسلم در جنگ‌ها این است که هر جنگی فارغ از اینکه با چه علتی آغاز شده باشد و یا چه نتیجه‌ای در بر داشته باشد، منجر به ایجاد بحران و یا دست کم آشفتگی اقتصادی می‌شود. پیامدهای اقتصادی ممکن است هم‌زمان با جنگ و یا سال‌ها پس از جنگ نمایان شوند. دو دسته از خسارات مد نظر تحلیل‌گران جامعه‌شناس و اقتصاد دان است:

الف: خسارات مستقیمی که به سرمایه‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی یک کشور وارد می‌شوند نظیر خسارات وارده به نیروی انسانی مولد، خسارات وارده به سرمایه‌های ثابت مانند ساختمان‌ها و تأسیسات عمومی و ماشین‌آلات کارخانجات، خسارات وارده به تجهیزات نظامی

ب: خسارات غیرمستقیم، خساراتی که به امکانات و ظرفیت‌های بالقوه یک کشور وارده شده و اگر جنگ رخ نمی‌داد، این امکانات در بخش‌های مفید اقتصادی، سرمایه‌گذاری و... مورد استفاده قرار می‌گرفت (شایان مهر، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

موارد بالا در خصوص شمال کشور نیز صدق کرده است. پیش از حضور اشغالگران در شمال کشور، محصولات نظیر برنج، چای، پرتقال، تخم‌مرغ و... توسط دولت ایران و از طریق کشتی به شوروی صادر می‌شد. به عنوان مثال در تنکابن «کشاورزان مالیات خویش را به صورت برنج یا شالی در محلی به نام اداره املاک به دولت تحویل می‌دادند و در قبال آن قبضی دریافت می‌کردند. انبار اداره املاک که شالی را به برنج تبدیل می‌نمود با اداره چای کنونی تنکابن قابل انطباق است. دولت برای آنکه صادرات برنج را بیشتر کند علاوه بر مالیات برنجی که از کشاورزان جمع‌آوری می‌نمود، خریدار برنج از تجار عمده هم بود که بیشتر در خیابان تختی [فعلی] تنکابن سکنی داشتند و به آنها

کومله می‌گفتند. صادرات منطقه تنکابن علاوه بر برنج، پرتقال، چوب شمشاد، تخم‌مرغ و غیره را شامل می‌شد که ارسال آن [به شوروی] از طریق دولت ایران انجام و در قبال آن از آنجا بلورآلات، نفت، ساچمه، قند و... دریافت می‌شد... کشتی‌های حمل این محصولات توسط کمپانی کاسپار یا شرکت بحر خزری اداره می‌شد» (دانای علمی، ۱۳۸۹: ۹۰). البته فرایند صادرات و واردات اقلام از شمال کشور فقط محدود به صادرات دولتی نبود. بلکه افراد حقیقی نیز دارای تعامل تجاری با بازرگانان شوروی بودند. از جمله این افراد، حاج نظر طالقانی بود. وی از شهر باکو نفت به بندر شهسوار می‌آورد و از آنجا به طالقان، قزوین و تهران می‌برد (عیسی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۳ پاورقی). به نظر می‌رسد که متعاقب اشغال ایران و فروپاشی قدرت رضاخان، تا مدتی صادرات دولتی متوقف شد.

۸. زورگیری و غارت اموال مردم

زورگیری و غارت اموال مردم از دیگر موارد مندرج در اسناد و به خاطر مانده در ذهن معمرین از حضور روس‌ها در شمال کشور است. «در مازندران بنا به گزارش‌های استاندار وقت به محض به هم خوردن اوضاع، دزدان خرده‌پا علنی شدند که با سوءاستفاده از نبود امنیه، به گاودزدی در روستاها پرداختند و حتی به تشکیل باندهای مسلح روی آوردند و تا مدت‌ها اسباب وحشت مردم فراهم ساختند» (معتضد، ۱۳۸۵: ۵۸۳). زورگیری‌ها فقط از سوی اشرار نبود. بلکه سربازان اشغالگر نیز مبادرت به این عمل می‌کردند. برابر خاطرات مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج محمدتقی سجادی: «سربازان روس در رامسر آزادانه به رفت‌وآمد مشغول بودند و باعث ترس و وحشت مردم شده بودند. در سال ۱۳۲۴ دیگر روس‌ها واقعاً در رامسر جولان می‌دادند. نیروهای نظامی روس در حالت مستی فریاد کشان و عربده زنان در خیابان‌ها تردد می‌کردند. به یاد دارم که در آن ایام به علت فوت پدر، مادرم از ما نگهداری می‌کرد. درب خانه ما چوبی بود و مادرم محکم پشت درب می‌نشست تا سربازان روس نتوانند وارد خانه ما شوند. سربازان روس بدون اجازه وارد باغ‌های مردم شده و از محصولات باغ‌ها استفاده می‌کردند. خاطره تلخی که به یاد دارم مربوط به خانواده‌های محمدی ساکن در اوشیان چابکسر (نرسیده به دمکشی چشمه) است. این خانواده‌ها از افراد محترم و شناخته شده بودند. من آقای الله‌قلی خان محمدی را دیدم که پدر خانواده بود. ایشان کشاورز بودند. خبر آوردند که روس‌ها در یک شب دو فرزند و یکی از بستگانشان را با گلوله کشتند و آن بنده خدا هم

دستش به جایی بند نبود که احقاق حق کند... من از این قضیه هنوز هم ناراحتم. این کشتار را تاکنون کسی اعلام نکرد...» (سجادی، ۱۳۹۲، فایل صوتی). در خصوص قتل اعضای خانواده محمدی، مکاتباتی در وزارت خارجه انجام شده بود.^۱ البته وزارت کشور نیز طی نامه‌ای^۲ به نخست‌وزیر، ماجرای فوق را این چنین شرح داد: «طبق گزارش استانداری دوم، در پنجم بهمن ۱۳۲۳ سه نفر به نام حسین محمدی، میرزا اسحاق محمدی و علیرضا احسان گر در ده اوشیان در اثر اصابت تیر فوت کرده‌اند و یک نفر دیگر هم مجروح شده [است]. در نتیجه تحقیقاتی که استانداری به عمل آورده‌اند، در تاریخ بالا در قبال درخواست محمدی یک ژاندارم با یک نویسنده برای اجرای معامله گاوی که نامبرده قبلاً نموده، به ده مزبور می‌روند. در اتومبیل آن‌ها نیز دو نفر سرباز شوروی موسوم به نیکلا اهل روسیه و بیگم اهل ترکمنستان شوروی بوده‌اند. سربازان نامبرده نیز در ده اوشیان پیاده شده، به مأمور اجرا اظهار می‌کنند که بایستی به اتفاق به پاسگاه شوروی برویم، ولی چون از رفتن امتناع می‌کنند، به حسین محمدی می‌گویند که شما از ما شکایت نموده‌اید و در اثر این جریان چون خواسته‌اند به اجبار حسین محمدی را ببرند و او حاضر نشده، تیری به طرف او و بعداً به طرف سه نفر دیگر خالی می‌نمایند که منتهی به فوت سه نفر مذکور در بالا و مجروح شدن یک نفر دیگر می‌شود و پس از مراجعه به بهداری، بخشدار، رئیس دادگاه، رئیس پست و تلگراف و رئیس بهداری و چند ژاندارم برای تحقیق به اوشیان می‌روند و به ژاندارم و نویسنده مزبور دستور مراجعت می‌دهند. نامبردگان در موقع مراجعت در بین راه به یک عده از سربازان شوروی تصادم و از طرف آن‌ها دستور ایست داده می‌شود. تفنگ‌های آن‌ها را هم گرفته و مجدداً آن‌ها را به اوشیان برگشت می‌دهند و بعلاوه از طرف افسر شوروی که پارابلوم در دست داشته، بخشدار و مأمورین دیگر مورد تهدید قرار می‌گیرند که تفنگ پنج تیر شوروی و دو کلاه و پنج فشنگ که در این محل است، به افسر مزبور تحویل داده شود. ضمن عرض جریان بالا، به استحضار می‌رساند که شرح لازم به وزارت خارجه نوشته شد که جریان امر را در نزد مقامات شوروی تعقیب نموده و از نتیجه اقدام، وزارت کشور را مستحضر سازند و بعلاوه به استانداری نیز تأکید گردید که کاملاً

۱- نامه‌های شماره ۵۰۲۳ مورخه ۱۳۲۳/۱۱/۲۴ از وزارت امور خارجه به نخست‌وزیر، شماره ۳۱۱۸ مورخه ۱۳۳/۱۱/۲۵ از وزارت کشور به نخست‌وزیر، شماره ۱۲۴۷ مورخه ۱۳۲۴/۳/۵ از وزارت امور خارجه به نخست‌وزیر در این خصوص صادر شده است.

۲- به شماره ۳۱۱۸ مورخه ۱۳۲۳/۱۱/۲۵

تحقیقات را در اطراف موضوع تکمیل و گزارش دهند. پس از وصول پاسخ و تعقیب قضیه، نتیجه اقدامات را معروض می‌دارد. از طرف وزیر کشور» (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۱۱۷ و ۱۱۸).

خاطرات یکی از شاهدان این وقایع قابل تامل است. حاج قربانعلی لیماکشی که متولد ۱۲۹۸ است به‌عنوان مسن‌ترین فرد رامسری شناخته می‌شود. لیماکشی در گفتگو با محققین، حضور روس‌ها در رامسر را این‌چنین توصیف کرده است: «... در زمان جنگ جهانی دوم، سرهنگ سید مهدی عشقی رئیس شهربانی رامسر بود. برادرش هم سرایدار قصر بود. او به بازار رامسر آمد و به بازاریان گفت که روس‌ها در راه رامسر هستند. شما درب مغازه‌هایتان را نبندید. آن‌ها با شما کاری نخواهند داشت^۱. او گفت که دستور از مرکز آمده که شهربانی و ژاندارمری و اسلحه‌خانه را تحویل روس‌ها بدهیم. رامسری‌ها به آن سال، سال بلشویکی می‌گویند. تعداد ۳ [فروند] هواپیما از روی دریا در حال پرواز بودند. هواپیماها سه بار فاصله بین کوه و دریا را پرواز کردند. پس از پنج یا شش روز سربازان سواره و پیاده روس آمدند. حدود ۱۵۰ سرباز روس بودند. یک نفر شیپورچی در ابتدای سربازان بود که شیپور می‌زد. آن‌ها با چنین نمایشی از رامسر عبور کردند و به سمت شهسوار رفتند و از آنجا هم عبور کردند... روس‌ها تعداد ۴ نفر از یک خانواده را در اوشیان چابکسر مورد اذیت و آزار قرار دادند... هتل‌های رامسر، ویلاها، شهربانی و همه ادارات توسط روس‌ها اشغال شده بود. روس‌ها در اوشیان، رشت، چابکسر، شهسوار و... دارای پادگان بودند. در رودسر و لاهیجان روس‌ها اقدام به بمباران کردند که تعدادی در لاهیجان کشته شدند... بازاریان رامسر، بازار را از ترس تعطیل کردند. آن زمان من متأهل نبودم و دارای مغازه لبنیاتی و خوارباری بودم... مغازه‌ام را نبسته بودم. یک چراغ‌توری آلمانی در مغازه‌ام روشن بود. مشغول به صرف شام در مغازه‌ام بودم. تعداد ۴ نفر از سربازان روس وارد مغازه‌ام شدند. به شام دعوتشان کردم... یکی از روس‌ها متوجه آلمانی بودن چراغ شد. با مشت ضربه محکمی به چراغ آلمانی زد... اسلحه‌اش را به سمت من گرفت. یکی دیگر از سربازان که با من غذا خورده بود مانع از تیراندازی هم‌قطار خود به طرف من شد... روس‌ها اولین خط تلفن را از چالوس تا کازینو رامسر کشیدند. این خط

۱- احتمالاً سرهنگ عشقی از خصلت روس‌ها و غارت مغازه‌های بسته آگاه بود که برای کاهش خسارات مادی به بازاریان از آن‌ها خواست که درب مغازه‌ها را نبندند. (بیان احتمال از سوی محققین)

تلفن تا زمان حضور روس‌ها توسط آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت. بعد از خروج روس‌ها این خط تلفن به دست دولت افتاد. تمام امکانات شمال از جمله رامسر در اختیار روس‌ها بود... مردم با روس‌ها سر سازش نداشتند؛ اما نسبت به آلمان دیدگاه خوبی داشتند.» (لیماکشی، ۱۳۹۱، فایل صوتی).

۹. زندانی کردن مخالفین متفقین در زندان

در سال‌های اشغال ایران توسط متفقین، تعدادی از ایرانیان که با انگیزه‌های مختلف در برابر اشغالگران مقاومت و ایستادگی کردند، بازداشت و زندانی شدند. این مسئله را می‌توان نشانه‌ای از اختناق سیاسی اعمال شده بر ایران در زمان اشغال شهرهای آن دانست. در کتاب محبوسین متفقین در ایران، اسامی تعداد ۱۸۰ تن از رجال، افسران و دیگر بازداشت‌شدگان توسط نیروهای متفقین درج شده است (خلعتبری، شمس، ۱۳۸۵: ۱۳۰ الی ۱۳۳). این افراد دارای تفاوت گرایش سیاسی، مذهبی و حتی جایگاه اجتماعی بودند. هیچ کدام از موارد جایگاه مذهبی، جایگاه سیاسی و جایگاه اجتماعی منجر به مصونیت مردم در برابر بیگانگان نشد. برخی از این افراد به جرم همکاری با آلمان، برخی به دلیل مخالفت با انگلیس، برخی به دلیل دفاع از خود و خانواده در برابر تعرض سرباز اشغالگر روس یا انگلیسی بازداشت شدند.

ساکنین شهرهای شمالی کشور نیز از تعرض اشغالگران در امان نبودند. نیروهای اشغالگر هر کسی که در برابر تجاوز و زورگویی و ددمنشی آنها ایستادگی می‌کرد را به بهانه‌ها و تهمت‌های مختلف دستگیر و حبس می‌کردند و هیچ فرد حقیقی و حقوقی در این سرزمین توانایی دفاع از این مردم را نداشت. البته پس از خروج اشغالگران، دولت وقت ایران در فکر دلجویی از محبوسین و ستم‌دیدگان افتاد. «دولت وقت نیز برای سپاس از زندانیان بی‌گناه و به نوعی دلجویی از احوال آنها که در سرزمین خود مدت زمان طولانی زندانی اجانب شده و متحمل انواع ناراحتی روحی و جسمی و خسارات مالی گردیده بودند، تصویب کرد تمامی حقوق آنها را در دوران بازداشت که معادل یک سال و نیم حقوق آنها بود پرداخت شود» (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). البته این مصوبه نتوانست خسارات مادی همه ستم‌دیدگان را برطرف کند زیرا بسیاری از محبوسین و ستم‌دیدگان فاقد شغل دولتی بودند و یا اینکه دارای جایگاه حقوقی مناسب نبودند تا بتوانند از حقوق پایمال شده خود دفاع کنند. از جمله بازداشتگاه‌های

متفقین که محبوسین ایرانی در آنها نگهداری می‌شدند می‌توان به بازداشتگاه اراک، بازداشتگاه رشت، بازداشتگاه تهران و... اشاره کرد (خلعتبری، شمس، ۱۳۸۵: ۵۹ الی ۶۴).

۱۰. تضعیف نظارت و اعمال قوانین حاکمیتی و عواقب آن

شیرازه نظم و امنیت هر کشوری با حضور مقتدرانه سازمان‌های تأمین امنیت آن کشور تقویت می‌شود. در واقع می‌توان گفت که سازمان‌های دفاعی، امنیتی، نظامی و انتظامی، ستون فقرات ایجاد و حفظ نظم و امنیت در هر جامعه‌ای به شمار می‌روند. تضعیف نهادهای عهده‌دار تأمین امنیت، به هر دلیل - از جمله اشغال کشور به دست بیگانگان - آسیب‌ها و تهدیدات فراوانی را متوجه مردم و نظم اجتماعی می‌کند. برخی از این تهدیدات در بخش‌های پیشین مقاله درج شد. از جمله دیگر تهدیدات مبتلابه نظم اجتماعی، تصرف غیرقانونی و حتی عدوانی املاک محسوب می‌شود. پس از شهریور ۱۳۲۰ شمسی و تضعیف نظارت نهادهای امنیتی و انتظامی و اعمال نشدن قوانین حاکمیتی، برخی از مردم شمال کشور اقدام به تصرف زمین‌های بلاتصاحب و فاقد مالکیت کردند. از جمله اینکه در رامسر تعداد محدودی از مردم خودسرانه بخش‌هایی از زمین‌های دو سوی جاده کازینو (بلوار معلم فعلی) را تصرف و تبدیل به مزارع کشاورزی کردند (رحیمیان، ۱۳۹۴: ۴۳).

نتیجه‌گیری: پژوهش در امور تاریخی و رخدادهای به وقوع پیوسته در گذشته، عاملی برای مقابله با تحریف و فراموشی به شمار می‌رود. ضمن اینکه گذشته پژوهی و ثبت و ضبط وقایع تاریخی، همواره شکل دهنده هویت تاریخی محسوب می‌شود. رخدادهای کلان به وقوع پیوسته در تاریخ یک سرزمین، همواره‌های پیامدهای اجتماعی، امنیتی و انتظامی را از خود باقی می‌گذارد. از جنگ جهانی دوم به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای به وقوع پیوسته در سرزمین‌مان هنوز هم خاطرات تلخی در اذهان مردم ایران به جای مانده است. بخش وسیعی از خاطرات تلخ جنگ جهانی دوم در ایران، مربوط به تجربه فراموش نشدنی اشغال ایران توسط متفقین است. پیامدهای امنیتی و انتظامی اشغال ایران آن چنان ناگوار بود که گاهی باورنکردنی محسوب می‌شود. شهرهای شمالی ایران از جمله مناطقی محسوب می‌شود که مورد اشغال متفقین به‌ویژه شوروی سابق قرار

گرفت. این مقاله پژوهشی، گامی در راستای شناخت ابعاد و آثار امنیتی و انتظامی جنگ جهانی دوم در شهرهای شمال کشور محسوب می‌شود. ظلم و تعدی اشغالگران به مردم ایران در اقصی نقاط این کشور هنوز در یادها مانده است. در جنگ‌های مختلف، انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها و روس‌ها هر کدام به نوبه خود طعم ظلم و ستم را به مردم کشورمان چشاندند. به رغم بررسی ابعاد گوناگون اشغال کشورمان در جنگ جهانی دوم، تاکنون آثار امنیتی انتظامی این تعدی (آثار مستقیم و آثار غیرمستقیم اشغال) آن چنان که باید، مورد کاوش قرار نگرفته است. روایت معمرین شمالی و خاطرات آن‌ها از اشغال شهرهای شمال توسط روس‌ها، دارای وجوه اشتراک فراوان در یادآوری ستم و ظلم مشاهده شده از اشغالگران به‌ویژه روس‌ها است. اسناد هم گواهی دهنده این ظلم و تعدی است. برخی از ابعاد مختلف این ظلم ناشی از اشغال، در این پژوهش درج شد. در پی اشغال شمال ایران توسط متفقین به‌ویژه روس‌ها، تأثیرات و پیامدهای اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم بر جای ماند. اسناد باقی‌مانده در این خصوص گواه خوبی برای این پیامدها به شمار می‌رود. البته از پیامدهای بلندمدت و کوتاه‌مدت نیز نباید غافل شد. ستون فقرات و سامانه تأمین امنیت در هر کشوری، سازمان‌های نظامی و انتظامی آن کشور محسوب می‌شوند. با فروپاشی سامانه تأمین امنیت، هرج‌ومرج و قانون‌شکنی و تعدی به مردم بی‌پناه آغاز خواهد شد. شکست امنیت فرهنگی و سانسور، آسیب به امنیت اقتصادی و بروز گرانی، تورم، وقفه در صادرات دولتی از شمال کشور، توقف طرح‌های ویژه حکومتی، تضعیف نظارت و اعمال قوانین حاکمیتی، زورگیری و غارت اموال مردم، ناامنی در حوزه سلامت و شیوع بیماری، افزایش درگیری‌های ملکی، قانون‌شکنی آشکار اشغالگران، تخلیه موقت اماکن انتظامی و امنیتی شمال کشور، نارضایتی اجتماعی بر اثر بروز عوارض اشغال، مشکلات امنیتی ناشی از حضور آوارگان جنگی، افزایش فعالیت‌های جاسوسی و ستون پنجم از جمله پیامدهای امنیتی و انتظامی جنگ جهانی دوم در شهرهای شمال کشور به شمار می‌رود.

منابع

کتاب:

- آذربیزین، شاپور، (۱۳۹۳)، فرماندهی و نافرمانی؛ گفتگو با سپهبد خلبان شاپور آذربیزین (مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران معاصر، جلد دوم)، به کوشش حسین دهباشی، چاپ اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- الهی، همایون، (۱۳۶۹)، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بی‌نام، (۱۳۷۷)، پیشگامان پرواز در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش.
- پژمان، جلال، (۱۳۸۷)، فروپاشی ارتش شاهنشاهی؛ خاطرات سپهبد جلال پژمان فرمانده لشکر گارد شاهنشاهی، چاپ دوم، تهران: نشر نامک.
- جلالی، هوشنگ، (۱۳۸۹)، تاریخ نظامی ایران؛ تاریخ نظامی ایران از دوره صفویه تا پایان دفاع مقدس، چاپ اول، تهران: هیئت معارف جنگ سپهبد شهید صیاد شیرازی.
- خلعتبری، انوشیروان، شمس، مصطفی، (۱۳۸۵)، محبوسین متفقین در ایران، چاپ اول، تهران، نشر اهورا.
- خلعتبری لیمایی، پژمان، (۱۳۸۹)، تاریخچه و نسب نامه خاندان خلعتبری؛ بررسی سیر تاریخی خاندان خلعتبری به همراه شرح احوال برجستگان و نخبگان آن در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و...، چاپ اول، تهران: ناشر مؤلف، انتشارات بدرقه جاویدان (مرکز پخش).
- دانای علمی، عباس، (۱۳۸۹)، فرهنگ عامه مردم تنکابن، چاپ اول، تهران: انتشارات آرون.
- درخشانی، علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و نقش سید جعفر پیشه‌وری در آن؛ خاطرات سرتیپ علی‌اکبر درخشانی، تحقیق تدوین و ویراسته شاهرخ فرزاد، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرین.
- رامین نژاد، رامین، (۱۳۹۰)، تاریخ لشکر خراسان؛ از صفویه تا انقلاب اسلامی جلد اول، چاپ اول، مشهد: نشر آهنگ قلم.
- رستمی، محمود، (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌های نظامی، چاپ دوم، تهران: نشر ایران سبز.

- روبین، باری، (۱۳۶۳)، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه: محمود مشرفی، چاپ اول، تهران: نشر آشتیانی.
- رحیمیان، حسن، (۱۳۹۴)، پنجره‌ای رو به سوی دیروز؛ خاطرات حسن رحیمیان، چاپ اول، تهران، انتشارات معین.
- شایان مهر، علیرضا، (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی جنگ، چاپ اول، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- شیرین‌کام، فریدون، فرجام نیا، ایمان، (۱۳۹۳)، سرگذشت پنجاه کنشگر اقتصادی ایران، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ صبا.
- عاقلی، باقر، (۱۳۸۷)، روزشمار تاریخ ایران؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، چاپ هشتم، تهران: نشر نامک.
- علامه، صمصام‌الدین، (۱۳۷۷)، تاریخ جامع تنکابن، چاپ اول، تنکابن: انتشارات تنکابن.
- عیسی‌پور، عزیز، (۱۳۸۸)، گالش‌ها، کوچ و زندگی مردم جنگل و کوهپایه نشین تنکابن، چاپ اول، تهران: انتشارات اثلشن
- گروه نویسندگان (کشاورز، فریدون، رضا، عنایت‌الله و...)، (۱۳۶۲)، چکمه‌های سرخ در جهان و اسراری پیرامون حزب توده ایران، چاپ اول، چاپخانه خرمی
- معتضد، خسرو، (۱۳۸۵)، یک‌صد سال فراز و فرود نیروهای انتظامی؛ جلد دوم (۱۳۰۰-۱۳۳۰)، چاپ اول، تهران: ناشر نیروی انتظامی (سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی).
- هدایت، مهدیقلی، (۱۳۸۹)، خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، چاپ هفتم، تهران: نشر زوار.
- یوسفی نیا، علی‌اصغر، (۱۳۹۶)، لنگای کهن؛ شهرهای کلارآباد، سلمان‌شهر و عباس‌آباد، چاپ اول، رشت: انتشارات بلور.
- مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، (۱۳۹۰)، اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، جلد چهارم؛ قتل، تعدی، تجاوز و نقض حاکمیت، چاپ اول، تهران: نشر خانه کتاب.

فایل‌های صوتی و تصویری مصاحبه با:

- مرحوم حجت‌الاسلام‌والمسلمین سید محمدتقی سجادی، ۱۳۹۲
- مرحوم حسن رحیمیان، ۱۳۹۱
- قربان لیماکشی، ۱۳۹۱

- مرحومه سکینه علی سعیدی، ۱۳۹۱

- مرحومه گلشن فتوکیان، ۱۳۹۲

مقالات منتشره در نشریات:

- خاتمی، عیسی، (۱۳۹۲)، مقاله «لغات خارجی رایج در زبان فارسی و گیلکی رامسری»، رامسر، نشریه داخلی سمن رام سر، شماره ۹ و ۱۰، بهار و تابستان ۹۲، صص ۴ و ۵.

- طبرانی، بهروز، (۱۳۷۸)، مقاله «تأثیر جنگ جهانی دوم بر وضعیت بهداشتی مردم»، تهران، فصلنامه گنجینه اسناد، بهار و تابستان شماره ۳۳ و ۳۴.

مقالات منتشره در سایت‌های اینترنتی:

- اتابکی، تورج، (۱۳۹۴)، مقاله «اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و پیامدهای آن»، منتشر شده در سایت تاریخ ایرانی، پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۴، به نشانی:

<http://www.tarikhirani.ir/>

- سلطانی مقدم، سعیده، (۱۳۹۱)، مقاله «جنگ جهانی دوم و مشکلات اقتصادی ایران»، منتشر شده در پایگاه اینترنتی پژوهشکده باقرالعلوم به نشانی

<http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۳۸۰۳۱>

<http://pahlaviha.com/show.php?page=۲۱&id=۱۵۷۷>

- بی‌نا (۱۳۹۲)، آلبوم جنگ جهانی دوم؛ اشغال ایران؛ تصاویر، سایت اینترنتی فرارو، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲، کد خبر ۱۴۹۵۹۴ به نشانی

<http://fararu.com/fa/news/۱۴۹۵۹۴/تصاویر-آلبوم-جنگ-جهانی-دوم-اشغال-ایران>

- شاهدی، مظفر، (بی‌تا)، گفت‌وگو با دکتر باقر عاقلی درباره: اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، منتشر شده در سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر به نشانی

http://www.iihs.org/index.asp?doc_cat=8